بسم الله الرحمن الرحيم

حق شرط
بر معاهدات حقوق بشری

دکتر پوریا عسکری

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

با دیباجه

دکتر نسرین مصفّا

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران-۱۳۹۶

سرشناسه	: عسکری، پوریا، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور	: حق شرط بر معاهدات حقوق بشری/ پوریا عسکری؛ با دیباچه نسرین صفا.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۰-۱۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: حقوق بشر
موضوع	: پیمان‌نامه‌ها -- حق شرط
موضوع	: حقوق بین‌الملل
موضوع	: حقوق بین‌الملل-- حق شرط
شناسه افزوده	: مصفّا، نسرین؛ مقدمه نویس.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۷ح۵ع/ JC۵۷۱
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۴۴۳۷۲

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهردانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید

www.**shahredanesh**.com

عنوان : **حق شرط بر معاهدات حقوق بشری**

مؤلف : پوریا عسکری

ناشر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش

نوبت چاپ : دوم

تاریخ چاپ : ۱۳۹۶

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۴۰-۱۹-۴

قیمت : ۱۰۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریم‌خان‌زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کدپستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹، تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱، نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

سخن ناشر

موازین بین‌المللی «حقوق بشر»، نقطه اتکای حقوق بین‌الملل کلاسیک را که بر اصل تبادل میان حقوق و تکلیف دولت‌ها (Reciprocity) بنا شده بود تا حدودی تغییر داده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خویش در سال ۱۹۵۱ در قضیه اعمال شرط بر کنوانسیون منع مجازات ژنوسید در این مورد اعلام داشت که در چنین کنوانسیون‌هایی دولت‌های متعاهد فاقد منافع فردی بوده و صرفاً نفعی مشترک دارند، که عبارت است از تحقق اهداف عالیه‌ای که فلسفه وجودی و غایت قصوای کنوانسیون محسوب می‌شود. «تعهدات بلاعوض در جهت منافع مشترک بشریت» توصیفی عالمانه و هدفمند از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حوزه حقوق بشر محسوب می‌شود.

نکته قابل تأمل آن است که هر چنان تعهداتی به لحاظ سرشت و ماهیت، تجلی بارز فرسایش حاکمیت دولت محسوب می‌شوند اما دولت‌ها با تغافل نسبت به چنان خصیصه‌ای، بر جنبه صوری و تشریفاتی معاهدات بین‌المللی حقوق بشر اتکاء جسته و حربه اعمال شرط را ابزاری کارآمد برای حراست از حاکمیت خویش یافته‌اند.

برخی از معاهدات حقوق بشر نیز برای تجمیع دولت‌ها و فراگیر ساختن خویش اجازه اعمال شرط بر برخی از مقررات خویش را داده‌اند. بدیهی است که در تحلیل نهایی، اعتبار شرط‌های وارد بر معاهدات حقوق بشری، نه صرفاً بر اساس پذیرش شرط توسط دیگر دولت‌های متعاهد و یا اعتراض آن دولت‌ها نسبت به آن شروط، بلکه در پرتو موضوع و هدف معاهده تعیین می‌شود.

آقای دکتر پوریا عسکری در کتاب «**حق شرط بر معاهدات حقوق بشری**» جنبه‌های مختلف حق شرط بر معاهدات حقوق بشری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در این کتاب توجهی ویژه به شروط کشورهای اسلامی بر معاهدات حقوق بشری و از جمله شرط ایران نسبت به کنوانسیون حقوق کودک شده است. مطالعه این کتاب را

به کلیه پژوهشگران حقوق بشر و نهادهای ذی‌ربط در پذیرش، اجرا و تفسیر معاهدات بین‌المللی توصیه می‌نماییم.

دکتر وحید اشتیاق

تقدیم به پدرم که برایم نماد خردورزی است

فهرست مطالب

دیباچه خانم دکتر نسرین مصفا ۱۵
پیشگفتار ۱۹

فصل نخست: حق شرط از آغاز تا امروز ۲۳
گفتار اول: پیشینهٔ نظام حاکم بر حق شرط ۲۵
الف) حق شرط تا پیش از کنوانسیون حقوق معاهدات ۲۵
ب ـ حق شرط در کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۲۹
۱ـ پیدایش کنوانسیون حقوق معاهدات ۲۹
۲ـ موازین مربوط به حق شرط در کنوانسیون حقوق معاهدات ۳۰
۳ـ مفهوم موضوع و هدف معاهده ۳۳
ج ـ تحلیل محتوای شرط ۳۵
ـ محاسن حق شرط ۳۶
ـ ایرادات حق شرط ۳۶
گفتار دوم: مروری بر فعالیت‌های اخیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد رزرو ۳۸
گفتار سوم: روح متفاوت معاهدات حقوق بشری ۴۳
الف ـ تاریخچه معاهدات بین‌المللی ۴۳
ب ـ تعریف و طبقه‌بندی معاهدات بین‌المللی مطابق کنوانسیون وین ۴۴
ج ـ معاهدات حقوق بشری ۴۵

فصل دوم: بررسی نظریات مختلف در خصوص حق شرط بر معاهدات حقوق بشری ۴۹
گفتار اول: مرور دیدگاه‌های تخصصی نهادهای ملل متحد ۵۱
الف ـ کمیته حقوق بشر ۵۱
ب ـ کمیتهٔ رفع تبعیض نژادی ۵۷

ج ـ کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر ۵۹
۱ـ کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها ۵۹
۲ـ کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر ۶۶
الف ـ ارائه تحفظ به معاهدات حقوق بشری (پاراگراف‌های شش الی بیست) ۶۸
ب ـ واکنش سایر اعضاء معاهده (پاراگراف‌های بیست و یک الی سی و شش) ۷۰
ج ـ واکنش ارکان نظارتی (پاراگراف‌های سی و شش الی پنجاه و نه) ۷۳
۱ـ صلاحیت ارکان نظارتی در خصوص اتخاذ تصمیم در مورد اعتبار حق شرط ۷۴
۲ـ توصیف بیانیه‌های دولت‌ها ۷۵
۳ـ چگونه یک رکن نظارتی می‌تواند مغایرت یا تطبیق رزرو را با موضوع و هدف معاهده تشخیص دهد ۷۵
الف ـ رابطهٔ بین مواد معاهده به‌طور جداگانه و کل معاهده ۷۶
ب ـ ادعای آمره بودن برخی از عرف‌ها و قواعد ۷۷
ج ـ تفاوت و تمیز بین حقوق قابل تعلیق و حقوق غیرقابل تعلیق ۷۷
۴ـ تأثیر تشخیص عدم مطابقت رزرو با موضوع و هدف معاهده توسط رکن نظارتی. ۸۰
گزارش نهایی خانم هامپسون به کمیسیون فرعی در خصوص رزرو به معاهدات حقوق بشری ۸۲
پیشرفت‌های حاصل پس از اجلاس پنجاه و پنجم کمیسیون فرعی ۸۳
نتایج و توصیه‌ها ۸۴
نتایج ۸۴
توصیه‌ها ۸۴
د ـ کمیسیون حقوق بین‌الملل ۸۵
نتایج مقدماتی کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص رزرو بر معاهدات [قانون‌ساز] هنجاری چندجانبه
از جمله معاهدات حقوق بشری ۹۱
پیش‌نویس رهنمودهای کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص رزرو به معاهدات ۹۶
گفتار دوم: نگرشی بر نظریات حقوقدانان ۱۰۶
الف ـ مکتب تجزیه‌گرا ۱۰۷
۱ ـ رضایت سایر دولت‌های عضو معاهده ۱۰۷
۲ ـ رضایت دولت رزرودهنده ۱۰۹
ساختار رضایت مشروط ۱۱۰

ویژگی‌ها و تنوع رضایت مشروط ۱۱۱
۱ـ دموکراسی‌های تازه تأسیس ۱۱۲
۲ـ کشورهای دموکرات ۱۱۴
۳ـ کشورهای غیردموکرات ۱۱۹
۳ ـ احراز تجزیه‌گرایی ۱۲۳
ب ـ مکتب ضدتجزیه‌گرا ۱۲۵
موانع تشخیص قاعده عرفی در خصوص تفکیک رزروها ۱۲۵
نقش اصل رضایت در تشخیص آثار رزروهای نامعتبر ۱۲۸
ج ـ نقدی بر معیار موضوع و هدف معاهده ۱۳۰
الف ـ انواع رزرو ۱۳۱
۱ـ رزروهای نامعتبر ۱۳۱
۲ـ رزروهای نامشروع ۱۳۱
۳ـ سایر رزروها ۱۳۶
ب ـ آثار حقوقی واکنش در مقابل رزروها ۱۳۶
۱ـ آثار حقوقی واکنش به رزروهای نامعتبر ۱۳۶
۲ـ آثار حقوقی واکنش به رزروهای نامشروع ۱۳۷
۳ـ آثار حقوقی واکنش به سایر رزروها ۱۳۸
ج ـ رزروهای کلی ۱۳۹

فصل سوم: بررسی رویهٔ عملی دولت‌ها در خصوص رزروهای ارائه شده به معاهدات حقوق بشری ۱۴۱

گفتار اول: بررسی وضعیت معاهدات بین‌المللی حقوق بشری با توجه به رویهٔ دولت‌های عضو ۱۴۳
الف ـ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۴۳
۱ـ کمیته حقوق بشر ۱۴۴
۲ـ حق شرط‌ها و اعتراض‌های ارائه شده به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۴۵
ب ـ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۵۰
۱ـ کمیته نظارت بر اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۵۰
۲ـ حق شرط‌ها و اعتراض‌های ارائه شده به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی ۱۵۱
ج ـ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۵۴
۱ـ کمیتهٔ مقابله با تبعیض علیه زنان ۱۵۶
۲ـ حق شرط‌ها و اعتراض‌های ارائه شده به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۵۶
د ـ کنوانسیون حقوق کودک ۱۶۰
۱ـ کمیته حقوق کودک ۱۶۱
۲ـ حق شرط‌ها و اعتراض‌های ارائه شده به کنوانسیون حقوق کودک ۱۶۲
هـ ـ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی یا موهن ۱۶۷
۱ـ کمیته ضد شکنجه ۱۶۸
۲ـ حق شرط‌ها و اعتراض‌های ارائه شده به کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بیرحمانه، غیرانسانی یا موهن ۱۶۹
و ـ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی ۱۷۳
۱ـ کمیتهٔ رفع تبعیض نژادی ۱۷۴
۲ـ حق شرط‌ها و اعتراض‌های ارائه شده به کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی ۱۷۵
گفتار دوم: بررسی رویهٔ دولت‌ها در خصوص رزروهای غیرقابل پذیرش ۱۸۰
الف ـ رزروهای غیرقابل پذیرش و مرجع تشخیص اعتبار آنها ۱۸۰
ب ـ آثار حقوقی رزروهای غیرقابل پذیرش ۱۸۳

فصل چهارم: تحلیل نهایی ۱۸۵
گفتار اول: حقوق بین‌الملل بشر، حقوق داخلی و حاکمیت دولت‌ها ۱۸۷
گفتار دوم: جهانشمولی حقوق بشر: موانع و مشکلات ۱۹۱
الف ـ ابهام در اسناد حقوق بشری ۱۹۲
ب ـ ابهام در ماهیت قواعد آمره در حقوق بین‌الملل ۱۹۲
ج ـ کاربرد حقوق بشر به‌عنوان ابزاری سیاسی ۱۹۳
د ـ نسبیت‌گرایی فرهنگی ۱۹۴
گفتار سوم: شروط نامعتبر بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر ۱۹۷
الف ـ گسترش جهانشمولی معاهدات یا حفاظت از تمامیت آنها ۱۹۸

ب ـ اصل رضایت دولت ۲۰۰
ج ـ مبنا و مرجع تشخیص اعتبار رزروهای ارائه شده بر معاهدات حقوق بشری ۲۰۴
د ـ نقش ارکان نظارتی ۲۰۶
۱ـ تعیین موضوع و هدف معاهده ۲۰۶
۲ـ بررسی مطابقت رزروها با موضوع و هدف معاهده ۲۰۸
ه) آثار تشخیص عدم اعتبار رزرو ۲۰۹

ضمیمه ۲۱۱
نمایه ۲۳۲
فهرست برخی از منابع مورد مطالعه ۲۳۵

دیباچه خانم دکتر نسرین مصفا

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی
و رییس مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران

معاهدات بین‌المللی در واقع جلوه گاه مکتوب تلاقی تراضی دولت‌ها هستند و به همین دلیل است که از میان سایر منابع حقوق بین‌الملل که اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در ماده ۳۸ خود به آنها اشاره می‌نماید، معاهدات بین‌المللی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. معاهدات، که در خصوص همه مسائل مبتلا به حقوق بین‌المللی به وضع قاعده و قانون در جامعه بین‌الملل اقدام می‌کنند، همواره برای اجرا با موانعی مواجه‌اند. مانع اول، بی‌تردید پذیرش معاهدات توسط دولت‌هاست که معمولاً باید این فرآیند از مجاری قانون‌گذاری ملی به سرانجام برسد و شاهد هستیم که معمولاً مذاکرات و عوامل سیاسی، سبب شده‌اند که این روند در غالب موارد با کندی‌هایی همراه باشد. اما مانع دیگری که حتی پس از لازم‌الاجرا شدن معاهدات برای اعضا نیز کماکان وجود دارد، نحوه التزام دولت‌ها نسبت به یک معاهده واحد است. به عبارتی دیگر دولت‌ها می‌توانند با اعمال حق شرط نسبت به برخی از معاهدات، دامنه تعهداتی را که از سوی آن معاهده متوجه آنان می‌گردد، محدود کنند.

با پذیرش همین واقعیات موجود در خصوص معاهدات بین‌المللی است که شاهد هستیم، برخی از حقوقدانان از اولویت جهانشمولی و یا به بیانی دیگر پذیرش حداکثری معاهدات سخن به میان می‌آورند و برخی دیگر اما با نگاهی محافظه کارانه‌تر سعی دارند تا از تمامیت معاهدات بین‌المللی صیانت کنند. دسته اول با قبول واقعیات موجود در جامعه بین‌المللی، اذعان دارند که توسعه و پیشرفت حقوق بین‌الملل در گرو «رضایت دولت‌ها» است و بنابراین می‌کوشند تا از هر طریق ممکن بر تعداد اعضا معاهدات

بین‌المللی بیفزایند. اما در مقابل، دسته دوم بر «صیانت از تمامیت معاهده» اصرار دارند و اجازه نمی‌دهند دولت‌ها با تفاسیر متفاوت خود از یک معاهده، انسجام قواعد موضوع آن را خدشه‌دار کنند.

کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، با اطلاع و علم نسبت به این دو گرایش فکری، بر آن بوده تا با پیروی از رویه قضایی بین‌المللی راه میانه را برگزیند تا هم از سویی راه را برای افزایش اعضا معاهدات بین‌المللی مسدود نکند و هم تا جای ممکن، از تمامیت و یکپارچگی معاهدات حمایت نماید. کنوانسیون وین حقوق معاهدات، دولت‌ها را دعوت می‌کند تا به معاهدات بین‌المللی ملحق شوند و چنانچه دیدگاه خاصی نسبت به برخی مسائل مطرح در هر معاهده دارند، با اعمال حق شرط دیدگاه خود را به مورد اجرا گذارند. البته حق شرط مورد نظر نباید در مغایرت با موضوع و هدف معاهده باشد.

این رهیافت عالمانه کمیسیون حقوق بین‌الملل که در متن نهایی کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات نیز در مواد ۱۹ تا ۲۳ گنجانده شده است، در بسیاری از موارد و در خصوص اکثر معاهدات بین‌المللی که بر پایه رضایت متقابل و منافع چندجانبه اعضا معاهده تنظیم شده‌اند، مورد پذیرش قرار گرفته و توانسته رضایت هر دو طیف فوق‌الاشاره را برآورده کند.

اما از همان بدو امر، برخی از حقوقدانان بر این اعتقاد بودند که دسته خاصی از معاهدات بین‌المللی که به حمایت از فرد انسانی و حقوق بنیادین بشری می‌پردازند، دارای ماهیت متفاوتی از سایر معاهدات هستند و لذا نمی‌توان آنها را از جمله معاهداتی دانست که منافع متقابل اعضا را مورد حمایت قرار می‌دهند. به عبارتی دیگر، معاهدات حقوق بشری از جمله اسناد بین‌المللی هستند که دولت‌ها را به پذیرش تعهداتی وا می‌دارند که منافع متقابل آنان را در پی ندارد بلکه موجب صیانت از افراد انسانی در جامعه بین‌المللی خواهد بود و همین مهم، ماهیت این دسته از معاهدات را به طور کل از سایر معاهدات بین‌المللی متمایز می‌سازد. این طرز تفکر تا آنجا پیش رفت که برخی از حقوقدانان را برآن داشت تا نظام حقوقی خاصی را برای انعقاد و پذیرش معاهدات حقوق بشری ترسیم کنند؛ نظامی که اصولا با نظام کنوانسیون وین ۱۹۶۹ متفاوت باشد. این حقوقدانان که عمدتا از میان طرفداران نظریه «صیانت از تمامیت معاهده» بوده‌اند، به ویژه اهم تلاش خود را به ترسیم و تنظیم نظام جداگانه ای برای اعمال حق شرط به

معاهدات حقوق بشری معطوف داشته‌اند.

زمانی که برای اولین بار در سال ۱۳۸۱ در نخستین روز گشایش کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، درس «سازوکارهای جهانی حمایت از حقوق بشر» را ارائه کردم، در میان سرفصل‌های عمده آن به اهمیت موضوع «حق شرط» نسبت به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و مباحث پیرامون آن اشاره نمودم. اهمیت آن را گذشته از زمان تحصیل، در جریان تدوین مقاله ای با عنوان «قوانین بین‌المللی حقوق زنان، چالش میان ارزش‌ها»[1] که در سال ۱۳۷۹ در مجموعه حقوق بشر از دیدگاه اسلام؛ آراء اندیشمندان ایرانی که انتشارات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی آن را به چاپ رسانده، درک کرده بودم. در آن مقاله به چالش میان معیارهای بین‌المللی حقوق زنان با اعتقاد و ارزشهای جوامع مسلمان، پرداخته شده است. این چالش خود را به گونه ای، در موافقت با حق شرط نسبت به کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض همه جانبه علیه زنان نشان داده است.

به جز مطالب پراکنده ای که در کتب حقوق بین‌الملل و یا مقالاتی در مجلات مرتبط پیرامون حق شرط و آنهم بطور کلی وجود دارد، ولیکن متنی علمی، دقیق و منسجم برای آن به زبان فارسی در دست نبوده است و یا حداقل اینجانب از آن اطلاعی ندارم. در حالیکه امروز، آگاهی و شناخت کامل نسبت به آن، مورد نیاز جامعه دانشگاهی و علمی و همچنین کارگزاران اجرایی در سطوح عالی است که بتوانند با عنایت به آن موضع‌گیریهای دقیقی در عرصه بین‌المللی به عمل آورند.

به اعتقاد نگارنده این سطور، همواره فرزندان خلف و شایسته نگین دست مادران خود هستند. برای معلمی چون من که به معلمی همدوش مادری می‌اندیشد و موفقیت دانش آموختگان کلاس خود را همچون پسرم علیرضا، آرزو می‌کنم، موفقیت جناب آقای پوریا عسکری، نگین دست و موجب فخر و مباهات است. من خود از نزدیک از سال ۱۳۸۱ شاهد تلاش این حقوقدان جوان، توانا، خلیق و مودب برای رشد و تعالی بوده ام و اعتقاد دارم که ایشان بخشی از سرمایه گرانسنگ انسانی جامعه حقوقی کشور است. بلاتردید نقش وی در انجام پژوهش‌های علمی و حتی در منصب اجرایی و

---

۱. نسرین مصفا، «قوانین بین‌المللی حقوق زنان؛ چالش میان ارزشها»، در مجموعه حقوق بشر از دیدگاه اسلام: آراء دانشمندان ایرانی؛ تهران، مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۲۴۱-۲۶۱.

مشورتی کنونی خود بسیار قابل توجه است و موجب انگیزش در دیگر جوانان و دلگرمی امثال معلمی چون اینجانب است.

کتاب حاضر یکی از منابع ارزشمند در بحث حقوق بین‌الملل بشر است و مسلماجامعه علمی و اجرایی کشور از آن بهره لازم را خواهد برد. کتاب، سیر تکوین این مسائل و مباحث را در مقابل دیدگان خواننده قرار می‌دهد و در نهایت با بررسی تحلیلی تمام استدلال‌های صورت گرفته به ویژه در کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ما را از آخرین یافته‌های نظری و عملی در حوزه اعمال حق شرط به معاهدات بین‌المللی حمایت از حقوق بشر، آگاه می‌سازد.

ضمن تشکر از زحمات نامبرده که منبعی با ارزش را تدوین نموده است، و قدردانی از همه بزرگوارانی که در راه تدوین و انتشار آن کمر همت بسته‌اند، آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون برای ایشان و خانواده محترم از خداوند متعال دارم.

پیشگفتار

رقم مغلطه بر دفتر دانش نکشیم
سر حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم
حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم بر او
ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم
«حافظ»

امروز همه می‌دانند که صلح جز به عدالت ممکن نیست. «روابط دولت‌ها را باید عقل و عدالت و حق و مذاکره منظم کند نه زور و اکراه و جنگ یا فریب و نیرنگ» (از سخنان پاپ پل ششم در سازمان ملل متحد، اکتبر ۱۹۶۵).[۱]

حقوق بین‌الملل را یک سری قواعد تغییر ناپذیر و ابدی تشکیل نمی‌دهد. این قواعد مجموعه‌ای از آرمان‌های اخلاقی و معاهده‌ها و سنت‌ها و رویه‌های قضایی است که به سوی ایجاد یک حقوق کامل به پیش می‌رود، در حال تکوین است ولی به دلیل ناقص ماندن ضمانت اجرای آن، هنوز راهی دراز در پیش دارد تا به صورت قواعد حقوقی لازم‌الاجرا درآید. دلیل تلاش برای کامل ساختن این حقوق نیز ضرورت همزیستی و در کنار هم ماندن در جامعه بین‌المللی است؛ ضرورت حکومت عقل بر زور و ضرورت تعاون برای چیره شدن بر موانع و مشکلات است. این ضرورت را بشر عاقل سالیان دراز است که دریافته و لازمهٔ ایجاد نظم و عدالت دانسته است.

از اینرو بشر، به منظور بسط و گسترش نظم عمومی در جامعهٔ بین‌المللی به انعقاد معاهدات روی آورد واصل وفای به عهد[۲] را ضمانت اجرایی معاهدات دانست.

گسترش و رواج روزافزون معاهدات بین‌المللی میان دولت‌ها، سبب شد تا اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری در ماده ۳۸ خود، معاهدات بین‌المللی را ازجمله منابع

---

۱. به نقل از: ***مبانی حقوق عمومی***، ناصر کاتوزیان، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۳۲۲.

2. *Pacta Sunt Servanda*

حقوق بین‌الملل به شمار آورد.

پس از آن، عهدنامه وین حقوق معاهدات با ابتکار کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به تصویب دولت‌ها رسید تا نظام حاکم بر انعقاد و اجرای معاهدات بین‌المللی را سامان بخشد. این عهدنامه که از آن به‌عنوان «معاهده معاهدات» نیز یاد می‌شود، در مواد ۱۹ تا ۲۳ خود نظام حاکم بر حق شرط بر معاهدات بین‌المللی را تشریح می‌کند.

مطابق مواد فوق، دولت‌ها می‌توانند به هنگام پذیرش معاهدات بین‌المللی در صورتی‌که منعی در معاهده وجود نداشته باشد، اعلام شرط کنند. به این معنی که کرانه شمول مواد معاهده نسبت به خود را تعدیل نمایند. البته عهدنامهٔ وین حقوق معاهدات از دولت‌ها می‌خواهد تا هنگام تنظیم شرط مراعات موضوع و هدف معاهده را بنمایند و به عبارت دیگر شروطی تنظیم و ارائه کنند که مغایرتی با موضوع و هدف معاهده نداشته باشند.

نظام معاهداتی وین، ضمانت اجرایی را جز اعتراض سایر دولت‌های عضو معاهده در نظر نمی‌گیرد و عنوان می‌کند که سایر دولت‌های عضو، می‌توانند به حق شرط ارائه شده اعتراض کنند و خواهان عدم اجرای مواد مورد نظر شرط، بین خود و دولت شرط گذار شوند و یا از پذیرش روابط قراردادی با دولت شرط گذار، در خصوص آن معاهده به‌طور کلی امتناع نمایند.

به نظر می‌رسد رهیافت ارائه شده از سوی عهدنامهٔ وین، مورد پذیرش جامعهٔ بین‌المللی قرار گرفته است و دولت‌ها در رویکرد خود نسبت به معاهدات بین‌المللی، تابع این نظام می‌باشند.

آنچه نگارنده در نگارش این تحقیق در پی تعالیم ارزندهٔ جناب آقای دکتر جمشید ممتاز، استاد گرامی دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به دنبال آن بوده است، امکان اعمال نظام تعبیه شده توسط عهدنامهٔ وین در خصوص حق شرطها، بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشری است. لازم به توضیح است که تحقیق حاضر، ابتدا به عنوان رساله کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۴ به رشته تحریر درآمده و سپس با ایجاد اصلاحات و تطبیق با آخرین گزارش‌های محافل بین‌المللی و بویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، به شکل حاضر به چاپ رسیده است.

معاهدات حقوق بشری، برخلاف سایر معاهدات بین‌المللی، به‌طور مستقیم برپایهٔ

روابط و منافع متقابل و دوجانبهٔ دولت‌ها بنا نشده‌اند و بنابراین عده ای بر این گمان‌اند که شاید نتوان ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده توسط عهدنامهٔ وین را در خصوص این معاهدات کافی دانست.

کتاب حاضر که در چهار فصل تنظیم شده است، نخست مروری بر تاریخچه حق شرط دارد و آنگاه به بررسی نظریات مختلف در خصوص حق شرط بر معاهدات حقوق بشری می‌پردازد. در این بررسی ابتدا، آراء و دیدگاه‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر و ارکان نظارتی معاهدات حقوق بشری مورد مطالعه قرار گرفته و سپس مقالات و نظریات حقوقدانان بین‌المللی به تفصیل، بررسی شده است. فصل سوم این تحقیق به بررسی رویهٔ عملی دولت‌ها در خصوص رزروهای ارائه شده بر شش معاهده اصلی حقوق بشری اختصاص دارد. در این فصل ابتدا، کلیه شرطهای ارائه شده و اعتراضات وارد بر آنها در خصوص شش معاهدهٔ اصلی حقوق بشری از طریق جدول‌ها و نمودارهای آماری مورد مطالعه قرار گرفته و سپس داده‌های آماری به صورت نسبی تحلیل شده‌اند. در فصل چهارم، تحت عنوان تحلیل نهایی، ابتدا دو چالش اصلی پیش روی موازین بین‌المللی حقوق بشری یعنی مباحث مربوط به حاکمیت دولت‌ها و موانع و مشکلات جهانشمولی حقوق بشر مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و آنگاه مباحث مربوط به آثار تنظیم و ارائه شروط نامعتبر بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشری، با پیشنهاد راهکارهای اجرایی، در قالب نتیجه‌گیری پایانی مطرح شده است.

نگارنده بر خود فرض می‌داند تا در این فرصت، از صبر و حوصله جناب آقای دکتر سیدعلی سادات اخوی، استاد محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، که بدون راهنمایی‌ها و مشاوره‌های ارزنده ایشان، تألیف این کتاب با کیفیت حاضر، غیرممکن بود، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشد. همچنین از سرکار خانم دکتر نسرین مصفا، استاد گرانقدر دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، که با ارائه اندرزهای عالمانه و دلسوزانه، من را همچون طول دوران تحصیل مورد لطف و عنایت فراوان خود قرار دادند، نهایت تقدیر و سپاس را دارم. همچنین از سرکار خانم ندا طاهری که با سعه صدر، کار ویرایش و اصلاح متن کتاب را به سرانجام رساندند، صمیمانه تشکر می نمایم.

همچنین برخود فرض می‌دانم که صمیمانه از حمایت‌های جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی، استاد بزرگوار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و نیز مدیریت و همکاران محترم موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش که امکان چاپ این اثر را فراهم نمودند، قدردانی کنم.

امید است، مطالب طرح شده در این کتاب که برای اولین بار در کشور به این نحو مطرح می‌شود، بتواند مورد استفاده پژوهشگران و تصمیم‌گیران امور تقنینی و اجرایی قرار گیرد.

پوریا عسکری
تهران ـ اسفند۱۳۸۸

فصل نخست

حق شرط از آغاز تا امروز

با پیدایش دنیای مدرن، معاهدات و توافقات بین‌المللی همـواره در میـان کشـورها رواج داشته‌اند و دولت‌ها با اتکاء بر اصل رضـایت، خـود را متعهـد بـه اجـرای توافقـات دو یـا چندجانبه می‌نمودند. از همان زمان تاکنون در توافقات منعقد شده میان دولت‌ها، شرط گذاری از جمله شرایط اولیه رضایت دولت‌ها در الزام یافتن بـه معاهـدات و توافقـات بـه حساب می‌آمده است. با گسترش معاهدات چندجانبه و بین‌المللی از یک سـو و رشـد و توسعه حقوق بین‌الملل از سوی دیگر، ضرورت تدوین نظام خاصی، برای حقوق معاهدات بین‌المللی، احساس می‌شد. بی‌تردید، سـاماندهی نظـام مربـوط بـه تحدیـد تعهـدات در معاهده ازجمله اولویت‌های این نظام به حساب می‌آمد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌عنوان نهاد خاص ملل متحد که تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را در سرلوحهٔ وظایف خود می‌بیند، با تدوین کنوانسـیونی جـامع در خصـوص حقوق معاهدات، تاحدودی به قوام معاهدات بین‌المللی و نظام حاکم بر آنها، کمک کرد.

اما از سویی دیگر استقبال عام و روزافزون از معاهدات بین‌المللی حقـوق بشـری کـه به‌طور طبیعی جهانشمولی این معاهدات را به‌دنبال داشته است و نیـز ماهیـت متفـاوت این معاهدات، سبب شده است تا برخی اندیشمندان و حقوقدانان بر عـدم کفایـت نظـام معاهداتی طراحی شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل نظر دهند. به‌ویژه در خصـوص مسأله حق شرط و رزرو این موضوع تا حدودی مورد تأیید کمیسـیون نیـز قـرار گرفتـه است.[1]

در این فصل پس از بررسی پیشینه نظام حـاکم بـر حـق شـرط و کنوانسـیون ویـن

---

۱. بنگرید به فصل دوم این نوشتار.